

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نورالله وثوق

۲۳/۱/۱۳۸۸

۲۰۰۹/۴/۱۲

به ستاره اچکزی و همه زنان در خون تپیده سرزمینم

زن ستیز

تشنه خون

مروت را چـــــرا باور نداری
چـــــرا عقلی میان سر نداری
به خون هر چه زن زان تشنه گشتی
که از خود خواهر و مادر نداری

جشن آتش بس

که گفته جشن آتش بس بگیرید
دروغین وعده ها را پس بگیرید
به من از رویش شهباز گفتید
نگفتم این همه کرگس بگیرید

باغ سرخ و سبز

بسی از سرخ و سبز آمار دادند
حسابی وعده گلزار دادند
سر راه نگاه شان ستادم
به جای گل بدستم خار دادند

از بد بد تر

زهر سو بسته هر جایی دری بود
حیا را نه سر و نه پیکری بود
فغان از دست این پیکر تراشان
که هر چه دیدم از بد بدتری بود

زن ستیز

مپنداری شر و شوری نداریم
به غیر شعله منشوری نداریم
نمی پرسی چرا ما زن ستیزیم
ازین افزوده تر زوری نداریم

نشانه

جدا از مرد و زن تا چند تا چند
کنی بالا به هرسو - گند تا چند
گرفتی خواهر خود را نشانه
به دشمن این چنین پیوند تا چند

نوید نامردی

نداری غمیر نامردی نویدی
زدی آتش به هر جایی رسیدی
بروی زن گشودی شعله زانرو
کزو کمزورتر کس را ندیدی
